

سرمایه‌ی اجتماعی

و اهداف

سند چشم‌انداز توسعه‌ی ایران

در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی

..... دکتر رضا اسماعیلی

دکترای جامعه‌شناسی و عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی خوراسگان

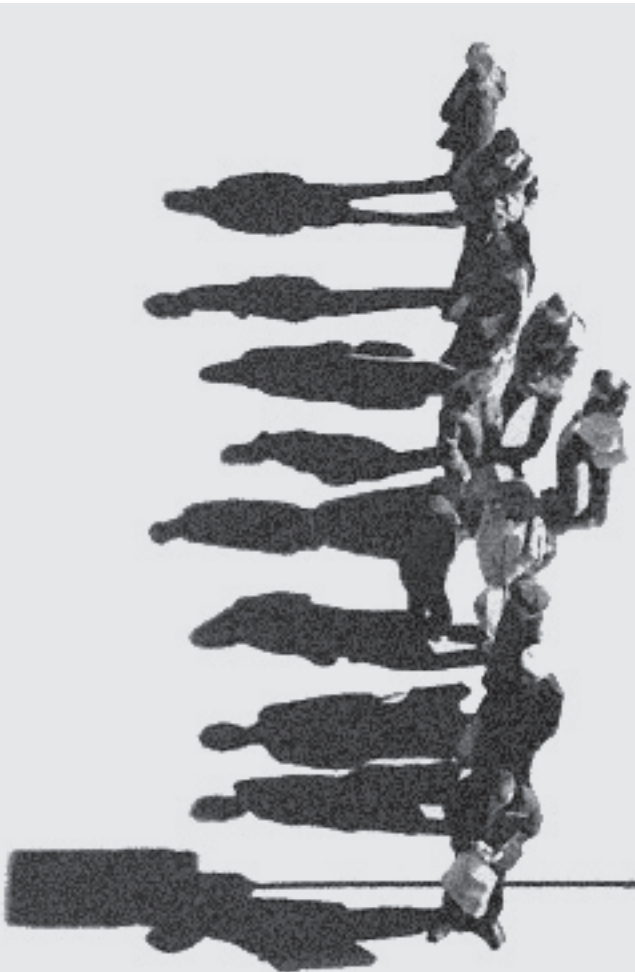
چکیده

نخستین گام در تهیه‌ی برنامه‌های بلند مدت اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی کشور ترسیم چشم‌اندازهای توسعه‌ی جامعه به مفهوم عام آن است. سند چشم‌انداز توسعه‌ی هر کشور اهداف و جهت‌گیری‌های اصلی تحولات ساختاری در آینده را به ما نشان می‌دهد.

جهت‌گیری به سمت افق‌های بالاتر، محور قرار دادن پرورش فرد و تربیت انسان‌های توسعه‌یافته و برخوردار از ویژگی‌هایی چون مسؤولیت‌پذیری، ایثارگری، ایمان، وجدان کار، روحیه‌ی همکاری و انضباط اجتماعی را الزامی می‌سازد.

دستیابی به اهداف ترسیم‌شده در سند چشم‌انداز توسعه در ابعاد اقتصادی، اجتماعی، علمی و فنی، فرهنگی و سیاسی مستلزم بکارگیری ظرفیت‌ها و منابع و استفاده‌ی بهینه از سرمایه‌هاست.

سرمایه، دارای انواع مختلف طبیعی، اقتصادی، انسانی و اجتماعی می‌باشد. همواره این پرسش برای ما مطرح بوده است که چرا با وجود منابع سرشار معدنی، سرمایه‌های مالی بالنسبه مناسب و وجود نیروی انسانی باکفایت و برنامه‌ریزی‌های کلان توسعه جهت پیشرفت جامعه، نتیجه‌ی دلخواه حاصل نمی‌شود؟ چرا علی‌رغم تأکید سیاستگذاران





تجارب متعدد
از کشورهای مختلف
حاکی از این موضوع است
که صرف وجود
سرمایه‌ی مالی و امکانات
اقتصادی و منابع طبیعی
نمی‌تواند به توسعه
منتهی شود، بلکه ترکیب
مناسب از سرمایه‌های
انسانی، فرهنگی و
اجتماعی لازم است تا
رویداد توسعه
جامه‌ی عمل پوشد

منابع جامعه جهت تحقق آن بسیج گردد. پیش‌نیاز موضوع مذکور، آگاهی و وفاق گروه‌های اجتماعی، سازمان‌های دولتی و مردم، راجع به اهداف سند می‌باشد. در صورت ناکافی بودن آگاهی و فقدان اجماع، سرمایه‌ی اجتماعی جهت همکاری مشترک و نیل به هدف شکل نخواهد گرفت. در این مقاله علاوه بر ترسیم جایگاه آگاهی، به مقوله‌های مشارکت اجتماعی و سازماندهی، با تأکید بر سازمان‌های مردم‌نهاد، به عنوان عناصر مهم سرمایه‌ی اجتماعی جهت تحقق اهداف مندرج در سند چشم‌انداز تشریح شده است.

در پایان ضمن جمع‌بندی مباحث، اصول و سیاست‌های اجتماعی با رویکرد افزایش سرمایه‌ی اجتماعی با هدف تحقق سریع‌تر اهداف سند چشم‌انداز توسعه‌ی ایران آینده ارائه شده است.

مقدمه

سند چشم‌انداز توسعه اولویت‌های آرمانی و افق‌های جامعه‌ی ایران را برای ۱۴۰۴ هجری شمسی ترسیم می‌کند. این آرمان‌ها در قالب سند چشم‌انداز بر آینده‌نگری، ارزش‌گرایی، واقع‌گرایی و جامع‌نگری مبتنی است. سند مذکور اهداف متعددی

و برنامه‌ریزان و مجریان، جهت مشارکت مردم در زمینه‌هایی که به زندگی اجتماعی آنان مرتبط بوده همکاری همه‌جانبه‌ای وجود ندارد؟ چرا با وجود عناصر مستعد فرهنگی موجود در نظام ارزشی جامعه و تأکید به همکاری و تعاون در فرهنگ اسلامی میزان تعامل بین افراد و گروه‌های اجتماعی و دولت و سازمان‌های وابسته به آن در حد کفایت نمی‌باشد؟

در دو دهه‌ی اخیر ادبیاتی که حول مفهوم سرمایه‌ی اجتماعی تدوین شده است تلاش دارد تا با استفاده از رهیافت‌های علمی به سؤالات مذکور پاسخ گوید. در قسمت نخست مقاله علاوه بر تعریف مفهوم سرمایه‌ی اجتماعی ضرورت‌های این مفهوم در دهه‌های اخیر مورد بحث قرار گرفته است، همچنین در این قسمت رابطه‌ی توسعه و جایگاه سرمایه‌ی اجتماعی در فرایند توسعه تبیین شده است. در قسمت دوم مقاله ویژگی‌های ایران آینده براساس سند چشم‌انداز در ابعاد اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، آموزشی و علمی توصیف شده است. شرط تحقق عملی این سند آن است که اهداف مندرج در سند بصورت آرمان اجتماعی درآید؛ بطوری که اهداف برای اعضای جامعه و خرده نظام‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی بصورت ارزش اجتماعی درآمده و

انقلاب به لحاظ اجتماعی

به معنای آن است که

جامعه نتوانسته است

تعارض خود را با نظام

سیاسی به شیوه‌ای

مسالمت آمیز و در

چارچوب ساختارهای

موجود حل نماید



در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، علمی- فنی و فرهنگی در نظر دارد که برخی از آنها بصورت صریح و جزئی اشاره شده و برخی در قالب اهداف آرمانی بیان گردیده است. دستیابی به اهداف ترسیم شده در سند چشم‌انداز مستلزم وجود و بکارگیری انواعی از سرمایه می‌باشد.

تجارب متعدد از کشورهای مختلف حاکی از این موضوع است که صرف وجود سرمایه‌ی مالی و امکانات اقتصادی و منابع طبیعی نمی‌تواند به توسعه منتهی شود. بلکه ترکیب مناسب از سرمایه‌های انسانی، فرهنگی و اجتماعی لازم است تا رویداد توسعه جامعه عمل پوشد. به همین دلیل امروزه اندیشمندان حوزه‌های اجتماعی و اقتصادی انواع مختلف سرمایه را از یکدیگر تفکیک کرده‌اند که در ذیل به آنها اشاره می‌شود.

سرمایه‌ی طبیعی: دارایی‌های محیطی شامل زمین، آب، جنگل، معادن، زیست محیط‌های گیاهی و جانوری و...

سرمایه‌ی مالی و اقتصادی: پول، امکانات و تجهیزات زیربنایی، کارخانه‌ها و مؤسسات فنی و ساختمان‌ها و...

سرمایه‌ی انسانی: نیروی انسانی برخوردار از دانش کافی و مهارت‌های فنی و علمی بالا.

سرمایه‌ی اجتماعی: مشتمل بر شبکه‌ها،

انجمن‌ها و مؤسساتی است که با هنجارهای مشترک و روابط مبتنی بر اعتماد شکل می‌گیرند و فرآیند همکاری جهت دستیابی به اهداف مشترک را تسهیل می‌کنند. این نوع سرمایه برخلاف سرمایه‌ی انسانی بر شبکه‌ها و روابط بین آنها تأکید دارد، در صورتی که سرمایه‌ی انسانی بر فرد تأکید می‌ورزد. در سرمایه‌ی انسانی بازدهی بر اساس درآمد فرد و سطح بهره‌وری اندازه‌گیری می‌شود در حالی که سرمایه‌ی اجتماعی نوعی از بازدهی را مدنظر دارد که بر اساس کیفیت زندگی اعضای جامعه اندازه‌گیری می‌شود. سند چشم‌انداز توسعه بر سرمایه‌ی انسانی تأکید فراوانی دارد.

انسان قاعده‌ی مخروطی است که چشم‌انداز توسعه‌ی ایران آینده بر آن قرار گرفته است. انسان تحقق بخش اهداف مندرج در سند توسعه، انسانی است که از ویژگی‌هایی چون فعال، مسئولیت‌پذیر، ایثارگر، مؤمن، رضایت‌مند، برخوردار از وجدان کار، انضباط و روحیه‌ی تعاون، سازگاری اجتماعی، تعهد به نظام اسلامی و شکوفایی ایران اسلامی و مفتخر به ایرانی بودن برخوردار است. بدون شک تربیت انسان‌هایی متصف به ویژگی‌های مذکور مستلزم نظام

با وجود منابع انسانی، انسان‌های توسعه‌یافته می‌توانند در فرآیند توسعه مشارکت مؤثر داشته و کاروان توسعه را با سرعت بیشتری به جلو برانند.

علاوه بر سرمایه‌ی مادی، طبیعی و انسانی سرمایه‌ی لازم برای پیشرفت و توسعه، سرمایه‌ی اجتماعی است. شاید بارها این پرسش برای ما مطرح شده باشد که چرا با وجود برنامه‌ریزی‌های کلان جهت پیشرفت جامعه، نتیجه‌ی دلخواه حاصل نمی‌شود؟ چرا علی‌رغم تأکیدات مسؤولان و سیاستگذاران و مدیران اجرایی جهت مشارکت مردم در زمینه‌هایی که به زندگی اجتماعی آنان مرتبط است. همکاری همه‌جانبه وجود ندارد؟ چرا با وجود عناصر مستعد فرهنگی موجود در نظام ارزشی جهت همکاری و تعاون، میزان تعامل بین اعضای جامعه، مردم و دولت و سازمان‌ها با یکدیگر در حد کفایت نمی‌باشد؟

ادبیاتی که حول مفهوم سرمایه‌ی اجتماعی سازماندهی شده است. تلاش دارد تا با استفاده از رهیافت علمی به سؤالات فوق پاسخ گوید.

هدف اصلی این مقاله تشریح نقش سرمایه اجتماعی در تحقق سند چشم‌انداز توسعه می‌باشد. در قسمت نخست مقاله، مفهوم سرمایه اجتماعی و قلمروهای آن در سده اخیر تشریح شده است. در قسمت دوم مقاله به ترسیم اهداف سند چشم‌انداز توسعه و جایگاه سرمایه اجتماعی در تحقق سند مذکور پرداخته می‌شود.

مفهوم سرمایه‌ی اجتماعی

مفهوم سرمایه‌ی اجتماعی از جمله مفاهیم مدرن است که در گفتمان علوم اجتماعی و محافل سیاسی معاصر در سطوح مختلف استفاده شده است. در کلی‌ترین سطح، سرمایه‌ی اجتماعی بیانگر توصیف ویژگی‌هایی از یک جامعه یا گروه اجتماعی است که ظرفیت سازماندهی جمعی و داوطلبانه برای حل مشکلات متقابل یا مسائل عمومی را افزایش می‌دهد. سرمایه‌ی اجتماعی از جمله مفاهیم بحث‌انگیز و

جنگالی است که در حوزه‌ی توسعه مطرح شده است. در کشورهای توسعه یافته که روابط اجتماعی آنان بر فرهنگ فردگرایانه بنا شده است مفهوم سرمایه‌ی اجتماعی جزو مفاهیم کلیدی بشمار می‌رود. در کشورهای توسعه نیافته این مفهوم در حال حاضر سرعت به ابزار تحلیلی در پژوهش‌های جدید توسعه اقتصادی و اجتماعی تبدیل می‌شود. در شرایطی که سرمایه‌ی اجتماعی یعنی توانایی استفاده‌ی جمعی و توأم با همکاری از منابع برای وظایف عمومی وجود نداشته باشد بعید است که تنها سرمایه‌ی مالی و افزایش سرمایه‌ی انسانی (از طریق آموزش) بتواند به نتایج مثبتی همچون رشد اقتصادی و کاهش فقر یا مشارکت بیشتر و پاسخگویی نهادهای عمومی منجر شود. (تاجبخش، ۱۳۸۴: ۱۰)

به زعم «کلمن»، مفهوم سرمایه‌ی اجتماعی به مثابه‌ی ابزار تحلیلی برای پژوهش‌های اجتماعی است. کلمن بر این باور است که سرمایه‌ی اجتماعی در روشن ساختن یکی از مشکلات مهم تحلیل اجتماعی یا آنچه پیوند خرد و کلان نام گرفته است نقش مؤثری را می‌تواند ایفا کند. (کلمن، ۱۹۸۸)^۱

تازگی و اکتشافی بودن سرمایه‌ی اجتماعی دوچشمه دارد، نخست آنکه این مفهوم بر پیامدهای مثبت جامعه‌پذیری متمرکز است و ویژگی‌های کم‌تر جالب توجه آن را کنار می‌گذارد، دوم آن که پیامدهای مثبت را در چارچوب فراخ‌تر بحث سرمایه‌ی اجتماعی می‌دهد و توجه را به این نکته جلب می‌نماید که چطور چنین اشکال غیرپولی می‌توانند سرچشمه‌های مهم قدرت و نفوذ باشند. (پورتس، ۱۹۸۸)^۲

سرمایه‌ی اجتماعی جنبه‌ی مهمی از رفتار اجتماعی-اقتصادی را برجسته کرده است که تا بحال اقتصاددانان به آن نپرداخته بودند. (کلمن، ۱۹۸۸)

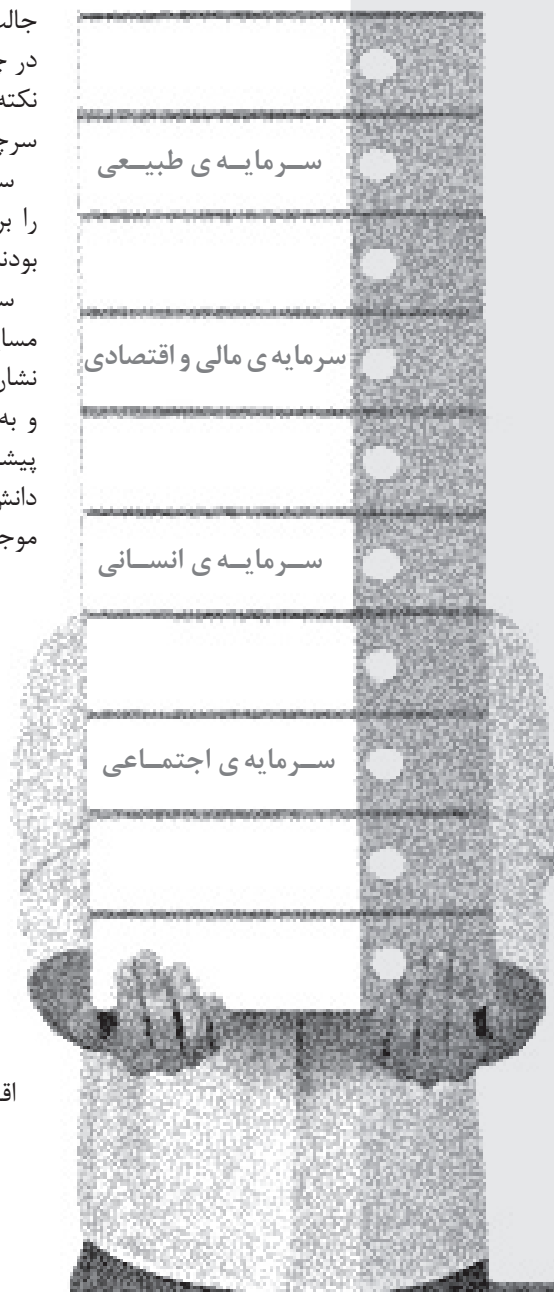
سرمایه‌ی اجتماعی به شهروندان این امکان را می‌دهد که مسایل جمعی خود را ساده‌تر حل کرده و کارایی بیشتری از خود نشان دهند. سرمایه‌ی اجتماعی چرخ‌ها را روغن کاری می‌کند و به جوامع اجازه می‌دهد به آرامی و سهولت بسمت توسعه و پیشرفت حرکت کنند. سرمایه‌ی اجتماعی از طریق افزایش دانش، شانس ما را برای بهره‌وری بیشتر از امکانات بالقوه‌ی موجود در جامعه بهبود می‌بخشد. (ریبی، ۱۳۸۳)

دلایل توجه به پارادیم سرمایه‌ی اجتماعی در جامعه‌ی معاصر

پارادیم سرمایه‌ی اجتماعی در سال‌های اخیر از جنبه‌های مختلف مورد توجه اندیشمندان، سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان بوده است.

الف) جوامع در حال گذار از نظام اقتصادی سوسیالیستی به نظام بازار و سرخوردگی آنان، از انتخاب دو گزینه‌ی دولت و بازار و توجه به رویکرد سوم یعنی جامعه‌ی مدنی برای حل مشکلات توسعه‌ای، از جمله دلایل توجه به پارادیم سرمایه‌ی اجتماعی است.

ب) مفهوم سرمایه‌ی اجتماعی مبنایی برای بحث و گفت‌وگو بین جامعه‌شناسان و اقتصاددانان فراهم می‌کند. اقتصاددانان از روش‌های بسیار دقیق و جامعه‌شناسان از



1. James S. Coleman
2. Alejandro Portes

امتیاز متغیرهای صحیح برخوردارند. این مفهوم توانسته است آن دو دسته را به هم نزدیک کند. سرمایه‌ی اجتماعی چارچوبی برای تفکر بسیار دقیق و حتی ریاضی‌وار درباره‌ی روابط اجتماعی است، ولی در عین حال بر متغیرهای منعطف‌تر درباره‌ی پیوندهای اجتماعی و جامعه و هنجارها و مسایلی از این دست تأکید می‌ورزد. در اینجا باید گفت که مفهوم سرمایه‌ی اجتماعی، مرزهای اقتصاد و جامعه‌شناسی را در نوردیده و وارد حیطه‌هایی چون بهداشت عمومی، طراحی شهری، معماری و پزشکی شده است.

ج) سرمایه‌ی اجتماعی در دنیای معاصر امروز ترجمان یک مشکل اجتماعی است که در زندگی روزمره‌ی مردم جوامع صنعتی و مدرن وجود دارد. (مصاحبه‌ی کیان تاج‌بخش با پاتنام^۳ در کیان تاج‌بخش، ۱۱۸: ۱۳۸۴-۱۱۶)

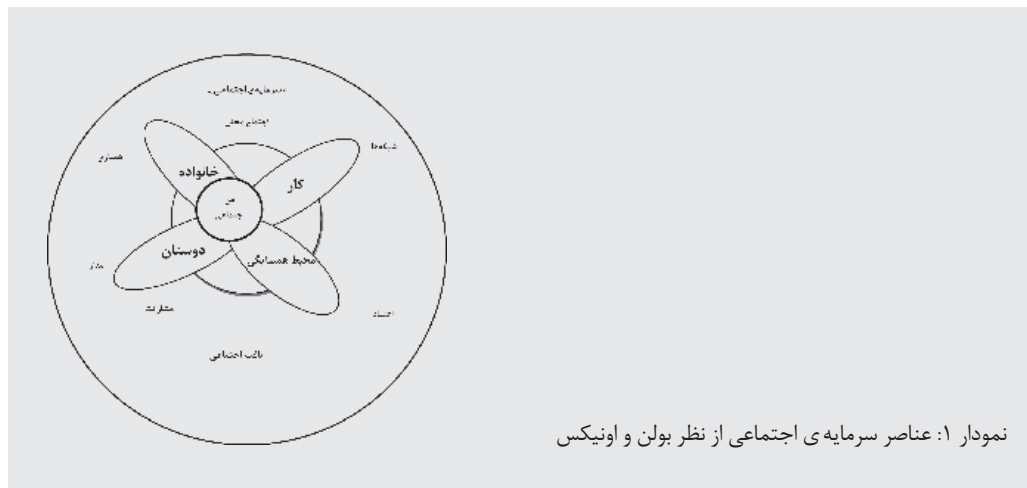
منافع اقتصادی سرمایه‌ی اجتماعی

اقتصاد جدید بازار، سرمایه‌ی اجتماعی را بکار می‌گیرد، آن را تهی می‌سازد و باز آن را پر می‌کند. اقتصاددانان نئوکلاسیک به اهمیت هنجارهای اجتماعی تعاونی در اقتصاد به خوبی واقفند و برای تبیین این که چگونه عناصر عقل‌گرای خودخواه به همکاری با یکدیگر روی می‌آوردند، نظریه‌ی دقیقی دارند. بعلاوه، اقتصاددانان هنجارهایی را که بطور نهادینه ساخته شده‌اند بخوبی می‌شناسند و نظریه‌ی آنها را برای ارزیابی اینکه رفتار دولت با کارآمدی روبه افزایش و یا کارآمدی روبه کاهش است، آماده می‌کنند. آنچه که اقتصاددانان به سختی می‌پذیرند اهمیت آن هنجارهایی است که بطور برونزاد ساخته

شده‌اند و بر رفتار اقتصادی تأثیر دارند. این هنجارها بیرون از نظام اقتصادی بوده و بر رفتار اقتصادی تأثیر می‌گذارند، و از منابعی از قبیل فرهنگ یا مذهب سرچشمه می‌گیرند. (فوکویاما، ۱۳۷۹، ۶۳)

وظیفه‌ی اقتصادی سرمایه‌ی اجتماعی کاهش هزینه‌های معاملاتی است که با مکانیسم‌های هماهنگی رسمی مثل قراردادها، سسله مراتب، قوانین بوروکراسی و موارد مشابه مربوط هستند. حقیقت موضوع این است که هماهنگ کردن فعالیت‌ها بر اساس هنجارهای غیررسمی بعنوان بخش مهمی از اقتصاد مدرن پایدار می‌ماند، و این مسأله به دلیل ماهیت پیچیده‌ی فعالیت‌های اقتصادی و فناوری است. بسیاری خدمات پیچیده برای کنترل، خیلی پرهزینه هستند و از طریق استانداردهای حرفه‌ای داخلی خیلی بهتر از مکانیسم‌های کنترل رسمی، کنترل می‌شوند. یک مهندس نرم‌افزار بسیار آموزش دیده اغلب بیشتر از بهره‌وری خودش نسبت به سرپرست خود مطلع است؛ تعدادی از مطالعات تجربی پیشنهاد می‌کند که فناوری تحقیق و توسعه (D&R) اغلب به مبادله‌ی غیررسمی حق مالکیت عقلایی وابسته است، به دلیل این که مبادله‌ی رسمی مستلزم افزایش هزینه‌های معاملاتی بیش از حد است و سرعت مبادلات را کم می‌کند. حتی در محیط‌هایی با فناوری پیشرفته‌ی پایین، سرمایه‌ی اجتماعی اغلب به کارایی بیشتری نسبت به تکنیک‌های هماهنگی رسمی منجر می‌شود. تیلبوریسم کلاسیک، که نظام‌های کاری را به شیوه‌ی بوروکراسی بسیار متمرکز سازماندهی کرد، ناکارآمدی زیادی به همراه داشت. موقعی که تصمیمات به تأخیر افتادند و اطلاعات تحریف شدند

نکته‌ی مهمی که در این میان حائز اهمیت است این موضوع است که توسعه صرفاً یک پروژه نیست، بلکه یک فرآیند است که هدف غایی آن ارتقای رفاه و بهبود وضعیت زندگی انسان‌ها و گسترش انسانی است. لذا محور اصلی آن مردم هستند و از طرف دیگر کارگزاران توسعه نیز مردم می‌باشند



نمودار ۱: عناصر سرمایه‌ی اجتماعی از نظر بولن و اونیکس

3. Robert D. Putnam

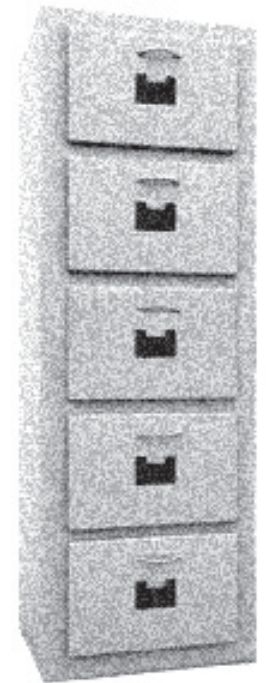
| | | |
|--|--|--|
| | | |
| | | |
| | | |
| | | |
| | | |

(ولکاک و نارایان ۲۰۰۰)

مجاب‌سازی می‌توانند شاخص مناسبی برای وجود سرمایه‌ی اجتماعی در یک جامعه به حساب آیند. برخی کارکردهای خرد و کلان آنها عبارتند از: هرچه این روابط از استحکام بیشتر و از کیفیت و کمیت بالاتری برخوردار بوده و نظام‌مندتر و هماهنگ‌تر عمل نمایند ما شاهد دستیابی به اهداف جمعی در مدت زمانی کوتاه‌تر و با صرف هزینه‌ای کمتر خواهیم بود. در این حالت ما می‌توانیم از (سرمایه‌ی اجتماعی) صحبت کنیم که همانا ترکیب ویژه‌ی روابط اجتماعی و نیز کیفیت این روابط است. ارتباطات جمعی هنگامی می‌توانند به مثابه‌ی «سرمایه‌ی اجتماعی» عمل کنند که مبتنی بر اعتماد متقابل بوده و تحت تأثیر ارزش‌ها و هنجارهای مشترکی که افراد جامعه در آن شریک‌اند، باشند. سرمایه‌ی اجتماعی فرآیند همیاری و مشارکت افراد برای دستیابی به منافع مشترک را تسهیل می‌نماید. سرمایه‌ی اجتماعی در درون یک فرد و یا در درون ساختار اجتماعی وجود ندارد، بلکه در فضای بین افراد (فضای ارتباطی) موجود است. سرمایه‌ی اجتماعی چیزی نیست که در تملک دولت، یک سازمان و یا بازار باشد بلکه همگان می‌توانند در تولید آن مشارکت کنند. سرمایه‌ی اجتماعی از هزاران کنش روزانه‌ای که بین مردم وجود دارد آفریده می‌شود و بوجود می‌آید. در نمودار ۱ می‌توانیم عناصر تشکیل‌دهنده‌ی سرمایه‌ی اجتماعی در سطح محلی و نیز در سطح کل جامعه را مشاهده نماییم. (بولن واونیکس، ۱۹۹۹)^۴

و زنجیره‌های سلسله مراتب فرمان به طرف پایین حرکت کردند. در بسیاری از کارخانه‌های تولیدی، ساختارهای مدیریت مسطح‌تر جایگزین تیئوریسم شده است که مسؤلیت را به سطوح پایین خود کارخانه واگذار کرده است. کارگرانی که خیلی به منابع دانش تخصصی نزدیک‌تر هستند اختیار دارند که خود تصمیم بگیرند به جای اینکه آن را به سلسله مراتب مدیریتی واگذار کنند. این کار اغلب به بازدهی بالایی منجر می‌شود. به منظور سنجش سرمایه‌ی اجتماعی رویکردهای متفاوتی وجود دارد. در رویکرد اول واژه‌ی کلیدی اعتماد می‌باشد. به همین دلیل میزان اعتماد و نیز میزان مشارکت افراد در فعالیت‌های مدنی و انجمن‌های داوطلبانه مهمترین شاخص‌های سنجش سرمایه‌ی اجتماعی‌اند. رویکرد دومی که وجود دارد بر این باور است که به خاطر کیفی بودن سرمایه‌ی اجتماعی سنجش آن بسیار دشوار بوده و برای اندازه‌گیری آن می‌توان از متغیرهایی چون جنایت، فروپاشی خانواده، میزان طلاق، اعتیاد، خودکشی‌ها، طرح دعاوی و دادخواهی، فرار از پرداخت مالیات، کودک‌آزاری و غیره، استفاده کرد. (فوکویاما: ۱۳۷۹-۱۹) پاتنام برای سنجش میزان سرمایه‌ی اجتماعی یک جامعه، به میزان مشارکت افراد در انجمن‌های داوطلبانه اشاره می‌کند. انجمن‌های داوطلبانه به خاطر ارادی بودن عضویت در آنها، داشتن جوی صمیمانه، غیرانتفاعی بودن و بناشدن بر پایه‌ی

مشارکت مردم به صورت خود به خودی و اتفاقی ممکن نیست. به همین دلیل باید مشارکت مردم در قالب انجمن‌ها و سازمان‌ها صورت پذیرد. سازمان‌های غیردولتی و به تعبیر رساتر سازمان‌های مردم‌نهاد می‌توانند این مهم را عملی سازند



توسعه و سرمایه‌ی اجتماعی

در مورد رابطه‌ی توسعه و سرمایه‌ی اجتماعی چهار دیدگاه وجود دارد.

الف) دیدگاه اجتماع‌گرایی: اجتماع‌گرایان سرمایه‌های اجتماعی را با سازمان‌های محلی چون باشگاه‌ها، انجمن‌ها و گروه‌های مدنی برابر می‌پندارند. اجتماع‌گرایان بر این اعتقادند که سرمایه‌های اجتماعی هرچه بیش‌تر باشد اثر آن در رفاه اجتماعی بیشتر است. اما شواهد در جهان در حال توسعه نشان می‌دهد که صرف دارا بودن سطح بالای همبستگی اجتماعی با گروه‌های غیررسمی لزوماً به رفاه اقتصادی نمی‌انجامد.

ب) دیدگاه شبکه‌ای: دیدگاه شبکه‌ای بر این اعتقاد است که گروه‌های فقیر با وارد شدن در شبکه‌های اجتماعی از رفاه بیشتری برخوردار گردند. شبکه‌ها به افراد این اطمینان را می‌دهند که با تبادل دانش و تجربه بتوانند انسجام درونی خود را تعریف کرده و در نهایت در برابر مشکلات مقاومت بیشتری داشته باشند.

ج) دیدگاه نهادی: در این دیدگاه شبکه‌های اجتماعی عمدتاً محصول محیط سیاسی، قانونی و نهادی است.

د) دیدگاه همیاری: این دیدگاه از تلفیق دو دیدگاه شبکه‌ای و نهادی بوجود آمده است. براساس این دیدگاه دولت و جامعه هیچ‌کدام بطور ذاتی در توسعه مؤثر نیستند. تأثیری که دولت‌ها بعنوان گروه‌های مدنی بر تحقق اهداف جمعی می‌گذارند متغیر است. دولت‌ها، بنگاه‌ها و اجتماعات به تنهایی فاقد منابع لازم برای ترویج و توسعه‌ی گسترده و پایدار هستند. به همین دلیل لازم است هم در درون و هم در ورای بخش‌های مختلف پدیده‌ی مشارکت شکل بگیرد. دولت می‌تواند در تسهیل توسعه نقش مؤثری را ایفا کند، زیرا وظیفه‌ی دولت تأمین کالاهای عمومی (پول، پول رایج و با ثبات، بهداشت عمومی و آموزش همگانی) و اعمال‌کننده‌ی حاکمیت قانون (حق مالکیت، دادرسی، دادرسی عادلانه، آزادی بیان و ایجاد تشکیلات) است. در جدول شماره ۱، چهار دیدگاه سرمایه‌ی اجتماعی مشخص شده است. (ولکاک و نارایان ۲۰۰۰)

تفاوت بین چهار دیدگاه در درجه‌ی نخست عمدتاً به سه عامل بستگی دارد؛ اول، واحدی که به هنگام تحلیل بر آن تمرکز می‌شود؛ دوم، تلقی دیدگاه‌ها از سرمایه‌ی اجتماعی به عنوان یک متغیر مستقل، وابسته یا واسط سوم این که نظریه‌ای درباره‌ی دولت را تا کجا در تحلیل خود می‌گنجانند. دیدگاه شبکه‌ای و نهادی منشأ‌آثاری بوده‌اند که بیش‌ترین و عمیق‌ترین تأثیر را بر جای نهاده‌اند؛ هرچند در رویکرد متأخر سعی می‌شود این دو رویکرد تلفیق شوند. (همان منبع)

قسمت دوم

سرمایه‌ی اجتماعی و اهداف سند چشم‌انداز توسعه

برای تشریح رابطه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی و اهداف سند چشم‌انداز باید دو نکته را روشن کنیم. نکته‌ی اول شامل این موضوع است که سرمایه‌ی اجتماعی چیست؟ قلمرو آن کدام است؟ منابع سرمایه‌ی اجتماعی کدامند؟ تأثیرات و پیامدهای ناشی از نوسان سرمایه‌ی اجتماعی چیست؟ ساز و کار تأثیرگذاری سرمایه‌ی اجتماعی چگونه می‌باشد؟



در جامعه‌ی ایران بر اساس مطالعات انجام شده عمده‌ترین عوامل تأثیر در سرمایه‌ی اجتماعی به ترتیب اولویت، تعهد دینی، سطح تحصیلات، مشارکت اجتماعی یکی از اعضای خانواده، سن و یا نسل و متغیرهای کمتر مهم سابقه‌ی اقامت و جنس می‌باشد

بخش مهمی از سؤالات فوق در قسمت اول مقاله مورد بحث قرار گرفت. نکته‌ی دوم این که اهداف سند چشم‌انداز در ابعاد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، علمی و فناوری کدامند؟

نکته‌ی سوم ضمن مشخص کردن حداقل میزان سرمایه‌ی اجتماعی لازم برای شکل‌گیری ایران آینده، روشن ساختن میزان اثرگذاری، تعامل و چگونگی سرمایه‌ی اجتماعی و اهداف مندرج در سند چشم‌انداز می‌باشد.

در این قسمت از مقاله اهداف اجمالی مندرج سند مطرح می‌شود. هدف غایی سند چشم‌انداز رسیدن به توسعه است. در سند چشم‌انداز ویژگی‌های ایران توسعه یافته ترسیم شده است.

• به لحاظ اقتصادی: ایران آینده در بعد توسعه‌ی اقتصادی، رشد یافته به لحاظ اقتصادی دارای اشتغال کامل و سطح درآمد بالا و برخوردار از رشد پرشتاب اقتصادی است.

• به لحاظ سیاسی: در بعد بین‌الملل فعال و مؤثر در جهان اسلام، تعامل سازنده با جهان. در بعد منطقه‌ای کسب رتبه و در بعد سیاست داخلی مستقل، برخوردار از امنیت همه‌جانبه و آزادی، مشروع، و مردم‌سالار و بهره‌مند از بیشترین پیوستگی مردم و دولت.

• به لحاظ اجتماعی: توسعه یافته به لحاظ اجتماعی، برخوردار از رفاه و عدالت اجتماعی و سرمایه‌ی اجتماعی بالا.

• به لحاظ فرهنگی و آموزشی: تربیت انسان مومن و متعهد نسبت به جامعه و فعال و اثربخش.

• به لحاظ علمی: جامعه‌ی دانایی محور و پیشرفت‌خواه و برخوردار از تکنولوژی پیشرفته، مولد در علم و پیشگام در جنبش نرم‌افزاری تحقق اهداف مذکور مستلزم همکاری و هماهنگی و تعامل خرده نظام سیاست، اقتصاد، فرهنگ و اجتماع است. به منظور عملیاتی کردن اهداف توسعه‌ی ایران آینده در وهله‌ی نخست لازم اهداف سند به صورت آرمان اجتماعی درآید.

آرمان اجتماعی ارزش‌های مشترکی است که هر جمع و جامعه برای رسیدن به آن‌ها تلاش می‌کند. آرمان اجتماعی مشخص می‌کند که چه کارهایی و چگونه باید در جامعه انجام شود. هنگامی سند چشم‌انداز به آرمان اجتماعی تبدیل می‌شود که اهداف سند توسعه به صورت یک هدف مشترک برای اعضای جامعه و خرده نظام‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی تبیین شده و به صورت ارزش

اجتماعی درآید به طوری که درجه‌ی اهمیت آن به حدی گردد که خرده نظام‌های اصلی جامعه انرژی و منابع خود را به آن سمت سازماندهی نمایند. در چنین صورتی است که اهداف ایران آینده از قالب آرزو خارج شده و به باورتبدیل می‌شود. در صورت تحقق این حالت یکی از منابع و ذخایر سرمایه‌ی اجتماعی در جامعه حاصل می‌شود.

در صورت فقدان اجماع یا ناکافی بودن میزان اجماع، سرمایه‌ی اجتماعی جهت همکاری مشترک و نیل به هدف شکل نخواهد گرفت. به بیان دیگر شرط لازم استفاده از سرمایه‌ی اجتماعی موجود در جامعه آن است که اهداف مندرج در سند به صورت آرمان‌های اعتقادی گروه‌های مختلف اجتماعی درآید. به طوری که اعضای جامعه از محتوای آن مطلع بوده و به لحاظ احساس تمایل مثبت جهت عملی شدن اهداف داشته باشند و در این مسیر گام بردارند.

والتر از این موضوع آن است که اهداف چشم‌انداز در قالب نظام فرهنگی و اجتماعی به صورت آرمان ملی درآید. به طوری که همه‌ی نظام‌های اجتماعی و سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جامعه انرژی خود را با توجه به جهت‌گیری‌های سند چشم‌انداز سازماندهی کنند.

به بیان فرهنگ سیاسی، اهداف توسعه‌ی ایران ۱۴۰۴ هنگامی که به بخش ناسیونالیسم ایرانی پیوند خورده و به صورت باور ملی درآید و در قالب آرزوها و خواسته‌های ملی مطرح شود و نقش ملات چسبنده‌ی اجتماعی در آینده‌ی اجتماعی و فرهنگی ایران را ایفا نماید. باید امیدوار بود که هسته‌ی اصلی سرمایه‌ی اجتماعی برای تحقق سند چشم‌انداز شکل گرفته است. برای شکل‌گیری این عنصر مهم، سرمایه‌ی اجتماعی نظام آموزشی و فرهنگی جامعه باید اهداف توسعه‌ی ایران آینده را به صورت ارزش اجتماعی مطرح نمایند. به همین دلیل نظام آموزشی باید در محتوا و شیوه‌های آموزشی خود را با توجه به اولویت‌های سند چشم‌انداز مورد بازنگری قرار دهد. به لحاظ فرهنگی و تربیتی، اهداف مندرج در سند به گونه‌ای و متناسب با شرایط سنی و ذهنی دانش‌آموزان تبیین شود. دروس، تعلیمات مدنی و اجتماعی و تاریخی و ادبیات می‌توانند با حفظ مضامین اهداف مندرج در سند نقش بسزایی در فرهنگ‌سازی ایفا نمایند.

دیگر عوامل اجتماعی‌کننده بالاخص رسانه‌های ارتباط جمعی سنتی و جدید می‌توانند نقش مؤثرتری در شکل‌دهی به سرمایه‌ی اجتماعی لازم جهت پیشبرد اهداف سند چشم‌انداز ایفا کنند. تلویزیون

اهداف



برای توسعه است. توسعه پارچه‌ای است که نخ‌های آن از سازمان و سازماندهی بافته می‌شوند. سازمان‌ها ساز و کارهایی هستند که از طریق آن انرژی مازاد جامعه برای به دست آمدن نتایج بزرگ‌تر مهار شده به حرکت درآمده و بسط و انتقال داده می‌شود. توسعه شامل ظهور سازمان‌هایی در جامعه است که انگیزه‌ها و اشتیاق جامعه را منعکس می‌نماید و با ارزش‌های فرهنگی و روش‌های زندگی مردم آن جامعه هماهنگ باشد. در نیم قرن اخیر سازمان‌های متعددی توسط دولت‌ها در سطح ملی و بین‌المللی برای حمایت از توسعه و فرآیند آن تأسیس شده‌اند. عملکرد این سازمان‌ها هنگامی بیشترین نتیجه را به ارمغان خواهد داشت که حداقل با سازمان‌های اجتماعی هماهنگ بوده و یا تلفیق شده باشد.

بر اساس دلایل مطرح شده می‌توان گفت توسعه چیزی جز سازماندهی ایده‌های جدید نیست. سند چشم‌انداز توسعه در جامعه‌ی ایران در مجموع شامل ایده‌های جدیدی است که توسط برخی از پیشگامان و دلسوختگان جامعه طراحی شده است. نکته‌ی مهم آن است که در فرآیند توسعه اشتیاق جمعی برای پذیرش ایده‌های جدیدی که توسط مبتکران ارائه می‌شود، باید وجود داشته باشد. سیر تحولات اجتماعی در جوامع نشان می‌دهد در موارد متعدد تاریخی، دیدگاه‌ها و ایده‌های جدید توسط مبتکران و نوآوران مطرح شده لیکن با استقبال مردم مواجه نشده و از طرف مدیران و مسؤولان جامعه هم سازماندهی نشده و پس از دوره‌ای کوتاه به بوته‌ی فراموشی سپرده شده است.

در نتیجه می‌توان گفت، سرمایه‌سازی اجتماعی برای توسعه و پیشرفت ایران با تکمیل اضلاع مثلثی

مؤثرترین رسانه‌ی جمعی است که می‌تواند اهداف مندرج در سند را با زبان عامیانه مطرح کرده و آن را در قالب موسیقی، فیلم و تئاتر به مردم عرضه نماید. رسانه‌های مکتوب بالاخص روزنامه‌ها و مجلات می‌توانند نقش مؤثری در آشناسازی نخبگان با اهداف سند چشم‌انداز داشته باشند. در این میان نباید نقش تشکل‌ها و مراکز تبلیغات دینی و اجتماعات مذهبی را فراموش کرد. ائمه‌ی جماعات و جمعه، سخنرانان و مبلغین دینی، گردانندگان مجالس مذهبی می‌توانند با تشریح مستقیم و غیر مستقیم اهداف سند، نقش مؤثری در سرمایه‌سازی اجتماعی برای تحقق اهداف چشم‌انداز ایران ۱۴۰۴ هجری - خورشیدی داشته باشند.

از دیگر عوامل ایجادکننده‌ی سرمایه‌ی اجتماعی با هدف دستیابی به اهداف مندرج در سند چشم‌انداز تشکیل سازمان‌های مردم‌نهاد و یا حمایت از چنین سازمان‌هایی است. گستردگی و تنوع اهداف مندرج در سند چشم‌انداز از توان نظام دولتی خارج است. توده‌ی مردم نیز به دلایلی نمی‌توانند بلاواسطه در این زمینه نقش اساسی ایفا کنند. به همین دلیل ایجاد و تقویت سازمان‌ها و تشکل‌های مردم‌نهاد برای توسعه‌ی پایدار، متوازن و انسانی لازم است. سازمان‌های مردم‌نهاد در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و علمی می‌توانند متناسب با اهداف مطروحه در ابعاد ذکر شده فرآیند تحقق سند چشم‌انداز تسریع بخشند و یا هزینه‌های اجتماعی رسیدن به اهداف را به شدت کاهش دهند.

همان‌طور که در بحث رابطه بین توسعه و سرمایه‌ی اجتماعی مطرح شد وجود نهادها و شبکه‌های اجتماعی به عنوان یکی از عناصر مهم



هر چه درجه ی اعتماد و مشارکت درونی بین عناصر یک مجموعه و مشارکت برونی بین عناصر مجموعه ها با یکدیگر افزایش یابد، سرمایه ی اجتماعی در جامعه افزایش خواهد یافت

انقلاب به لحاظ اجتماعی به معنای آن است که جامعه نتوانسته است تعارض خود را با نظام سیاسی به شیوه ای مسالمت آمیز و در چارچوب ساختارهای موجود حل نماید.

راهبرد عملی افزایش پیوستگی بین دولت و ملت افزایش سرمایه ی اجتماعی است. افزایش میزان اعتماد به سازمان های دولتی و مجموعه ی دولت، ساز و کار مهم شکل گیری سرمایه ی اجتماعی است. همچنین افزایش میزان مشارکت مردم در پدیده های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی ساز و کار دیگر افزایش سرمایه ی اجتماعی است. در عرصه ی سیاست براساس سند چشم انداز ایده ی اصلی حاکمیت، مردم سالاری است. وجه ممیزه ی نظام سیاسی مبنی بر مردم سالاری از سایر نظام های سیاسی مشارکت مؤثر مردم در فعالیت های سیاسی است. بارزترین بعد مردم سالاری تعیین سرنوشت سیاسی از طریق مشارکت در انتخابات و تعیین مدیران ارشد سیاسی نظام بر اساس نظر مردم است.

میزان سرمایه ی اجتماعی در تحقق سند چشم انداز

حال این سوال مطرح می شود که برای تحقق اهداف سند چشم انداز چه میزان از سرمایه ی اجتماعی لازم است؟ این پرسش شاید از دشوارترین پرسش هایی باشد که بررسی دقیق آن مستلزم مطالعات علمی و کارشناسی بین رشته ای است. اما اگر سوال مذکور را به چند پرسش دیگر تجزیه کنیم. شاید یافتن پاسخ آسان تر شود.

پرسش فرعی اول آن است که میزان آگاهی به عنوان

امکان پذیر خواهد بود که در یک رأس آن نخبگان و ایده پردازان (طراحان سند چشم انداز)، در رأس دیگر اشتیاق جمعی، (اقتدار و گروه های اجتماعی) و در رأس دیگر سازماندهی (سازمان های اجتماعی و دولتی) قرار دارند.

سرمایه ی اجتماعی در فضایی ارتباطی بین رؤس مثلث و فضای محصور شده توسط اضلاع مثلث شکل می گیرد. مولفه های اصلی فضای مذکور آگاهی، مشارکت و اعتماد اجتماعی است. این سه مولفه در برگیرنده و پوشش دهنده ی سرمایه ی اجتماعی در سطوح مختلف (فردی، گروهی، سازمانی، ملی و بین المللی) هستند. بر همین اساس هر چه درجه ی اعتماد و مشارکت درونی بین عناصر یک مجموعه و مشارکت برونی بین عناصر مجموعه ها با یکدیگر افزایش یابد، سرمایه ی اجتماعی در جامعه افزایش خواهد یافت.

اگر نگاهی مجدد به اهداف سند چشم انداز در ابعاد سیاسی داشته باشیم، تأکید بر تعامل سازنده ی کشور با جهان و ایفانمودن نقش فعال در عرصه ی بین الملل نشانگر توجه به مقوله ی سرمایه ی اجتماعی جامعه در سطح بین الملل است.

در سطح ملی تأکید بر پیوستگی دولت و مردم در سند چشم انداز، نشان از لزوم سرمایه ی اجتماعی کافی در داخل جامعه می باشد. شکاف و فاصله بین دولت و مردم از عمده ترین تعارض های اجتماعی بوده است که تاریخ اجتماعی و سیاسی ایران را در بر گرفته است. این شکاف در یکصد و پنجاه ساله ی اخیر به حدی تشدید شده که جامعه ی ایرانی دو تحول بزرگ نهضت مشروطیت و انقلاب اسلامی را تجربه کرده است.

سند چشم انداز توسعه

اولین عنصر سازنده‌ی سرمایه‌ی اجتماعی برای شروع برنامه چقدر است؟ در پاسخ باید گفت براساس برآورد اولیه روی ۱۶۵ دانش‌آموز دبیرستانی و ۲۴۰ دانشجوی در شهر اصفهان، این نتیجه حاصل شد که اطلاعات اولیه‌ی دانش‌آموزان و دانشجویان از محتوای سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران بسیار کم می‌باشد. آگاهی بسیار کم این دو قشر بالنده‌ی اجتماعی ناشی از عدم اطلاع‌رسانی می‌باشد. براساس شواهد موجود، سند چشم‌انداز در رسانه‌های جمعی بالاخص تلویزیون جایگاه تعریف نشده‌ای ندارد. در نظام آموزش و پرورش و دانشگاه اطلاع‌رسانی نشده است. در محافل اجتماعی و اجتماعات مردمی به مناسبت‌های مختلف کمتر از برنامه‌ی چشم‌انداز توسعه‌ی کشور سخن گفته شده است. به بیان دیگر سرمایه‌ی اجتماعی لازم برای شروع برنامه‌ی چشم‌انداز توسعه‌ی ایران در افاق ۱۴۰۴ هجری خورشیدی شکل نگرفته، اما در عمل برنامه‌ی دومین سال اجرایی خود را طی می‌نماید.

نکته‌ی مهم آن است که در فرآیند برنامه‌ریزی، زمان فیزیکی به سرعت در حال گذر است. اما آهنگ زمان اجتماعی بسیار کند است. نبض زمان اجتماعی برنامه‌ی چشم‌انداز نامنظم و کند می‌زند. در اینجا مدیریت زمان راهکار حل مسأله می‌باشد. شرط لازم موفقیت این نوع مدیریت دستیابی به اجماع بر سر محتوای سند چشم‌انداز توسعه بین مردم و قوای تشکیل حکومت (قوای اجرایی، تقنینی، قضایی) و دستگاه‌ها و سازمان‌های تشکیل‌دهنده‌ی هر یک از قوه‌ها، اجماع نخبگان فرهنگی و عملی و هنری جامعه، به توافق رسیدن نخبگان سنتی و جدید جامعه و بوجود آوردن وفاق جمعی مردم راجع به محتویات برنامه‌ی توسعه ایران در افاق ۱۴۰۴ هجری - شمسی است. پیش نیاز اصلی جهت دستیابی به اجماع درباره‌ی اهداف سند چشم‌انداز، مطلع شدن اقشار مختلف مردم از موضوع است. مهندسی اطلاع‌رسانی در این زمینه راهگشاست. مهندسی اطلاع‌رسانی ابزاری است علمی برای طراحی فرآیندهای اطلاع‌رسانی با هدف کاهش فاصله میان انتشار (از منبع) تا انتقال (به ذهن مخاطب) تضمین تأثیرگذاری پیام و در نهایت فرهنگ‌سازی (جعفری، سهامیه، ۱۳۸۵: ۶۲) طراحی عملی گام‌های فرآیند اطلاع‌رسانی حول محور توسعه‌ی ایران آینده برای تغییر الگوهای ذهنی و رفتاری شهروندان در این شاخه از دانش ارتباطات انسانی مورد نظر است. گام اول مخاطبین می‌باشند. شناسایی دقیق گروه‌های مخاطب و طبقه‌بندی آنها و همچنین اولویت‌بندی و تعیین محوری‌ترین مخاطبین در گام نخست لازم است. به نظر می‌رسد نخبگان علمی، فرهنگی و اجتماعی به معنای عام آن می‌توانند بیشترین تأثیر را در گسترش اهداف سند چشم‌انداز داشته باشند. معلمان، استادان، مبلغین روحانی، هنرمندان و کلیه‌ی تولیدکنندگان آثار فکری و هنری می‌توانند به عنوان محوری‌ترین گروه مخاطب فعال باشند.

گام دوم محتوای پیام است. محتوای پیام برخاسته از متن سند چشم‌انداز می‌باشد. محتوای پیام باید متناسب با ویژگی‌های مخاطبین عرضه شود. به عنوان مثال بر گروه‌های با تحصیلات بالاتر پیام می‌تواند دوجانبه و همراه با بررسی جوانب مثبت و منفی

با توجه به ویژگی‌های
جامعه‌ی ایران، دستیابی
به قله‌ی پیشرفت ایران
هنگامی امکان پذیر
خواهد بود که عناصر
هویت بخش آن مشتمل
بر دو جریان اسلام و
ایران به همراه اقتضائات
تمدنی روز،
به هم پیوند یابند

**سرمایه‌ی اجتماعی
پدیده‌ای نیست که در
جریان زمان ثابت بماند.
بلکه در طول اجرای
برنامه‌های توسعه، میزان
و چگونگی بروز آن تغییر
می‌یابد. حفظ سرمایه‌ی
اجتماعی موجود در جامعه
و جلوگیری از فرسایش
آن و تقویت آن به عنوان
راهبرد اصلی توسعه‌ی
اجتماعی برای رسیدن
به اهداف چشم‌انداز
توسعه‌ی ایران در
۱۴۰۴ هجری - شمسی
مطرح می‌باشد**

قابلیت‌ها و محدودیت‌ها باشد.

در گام سوم انتخاب رسانه‌های اثربخش مورد نظر است. هدف اصلی این گام کاستن از فاصله میان انتشار از منبع تا انتقال به ذهن مخاطب است. ماحصل این گام تضمین تأثیرگذاری پیام و در نتیجه فرهنگ‌سازی و نهادینه کردن اهداف و آرمان‌های مستقر در سند چشم‌انداز می‌باشد. درونی شدن ارزش‌ها و الگوها و آرمان‌های سند چشم‌انداز برای مردم معتبرترین سرمایه‌ی اجتماعی لازم برای عملی کردن اهداف سند چشم‌انداز می‌باشد.

پس از دستیابی به اجماع و توافق حول سند چشم‌انداز مهندسی برنامه مطرح می‌شود. چگونه ایده‌های گنج‌انیده شده در برنامه را می‌توان به عمل تبدیل کرد. سازماندهی و نهادسازی در این زمینه به کمک برنامه‌ریزان می‌آید تا برنامه جامه‌ی عمل پوشد.

مرور تجربیات نیم قرن برنامه‌ریزی در کشور و جوامع در حال پیشرفت و توسعه یافته، نشانگر آن است که دولت‌ها از طریق تأسیس سازمان‌ها قصد داشته‌اند توسعه را در قالب پروژه یا برنامه پیش ببرند.

به بیان دیگر، توسعه جز با سازماندهی امکان‌پذیر نیست. برای تحقق اهداف توسعه‌ی ایران در افق ۱۴۰۴ هجری - شمسی وجود چه سازمان‌هایی لازم است؟ کدامین سازمان‌ها باید به لحاظ ساختار و عملکرد مورد بازنگری قرار گیرند؟ پرداختن به هر یک از این مباحث مستلزم مباحث مفصلی است که از حوصله‌ی این نوشتار خارج است.

نکته‌ی مهمی که در این میان حائز اهمیت است این موضوع است که توسعه صرفاً یک پروژه نیست، بلکه یک فرآیند است که هدف غایی آن ارتقای رفاه و بهبود وضعیت زندگی انسان‌ها و گسترش برابری است. لذا محور اصلی آن مردم هستند و از طرف دیگر کارگزاران توسعه نیز مردم می‌باشند. زیرا تحقق اهداف توسعه از توان دولت و سازمان‌های دولتی خارج است. به همین دلیل مشارکت مردم در توسعه و توسعه‌ی مردم محور مورد تأکید می‌باشد. مشارکت مردم به صورت خود به خودی و اتفاقی ممکن نیست. به همین دلیل باید مشارکت مردم در قالب انجمن‌ها و سازمان‌ها صورت پذیرد. سازمان‌های غیردولتی و به تعبیر رساتر سازمان‌های مردم‌نهاد می‌توانند این مهم را عملی سازند.

با ایجاد و فعال کردن سازمان‌های مردم‌نهاد و کارآ کردن سازمان‌های دولتی می‌توان میزان سرمایه‌ی اجتماعی لازم برای تحقق اهداف توسعه‌ی کشور در افق ۱۴۰۴ هجری خورشیدی را افزایش داد.

کمیت سرمایه‌ی اجتماعی در جامعه تحت تأثیر متغیرهای دیگر می‌باشد. براساس بررسی به عمل آمده علاوه بر افزایش تعداد سازمان‌های مدنی، افزایش و مشارکت در امور عمومی از جمله انتخابات و میزان حضور در جلسات عمومی و مشارکت در امور داوطلبانه و افزایش اعتماد اجتماعی عامل افزایش سرمایه‌ی اجتماعی در جامعه است.

در جامعه‌ی ایران براساس مطالعات انجام شده عمده‌ترین عوامل تأثیر در سرمایه‌ی اجتماعی به ترتیب اولویت، تعهد دینی، سطح تحصیلات، مشارکت اجتماعی یکی از اعضای خانواده، سن و یا نسل و متغیرهای کمتر مهم سابقه اقامت و جنس می‌باشد. (فیروزآبادی، ۱۳۸۴: ۲۴۷)

نسل بزرگسال از میزان سرمایه‌ی اجتماعی بالاتری نسبت به دو نسل قبل برخوردارند. لزوم برنامه‌ریزی جامع به منظور افزایش سطح اعتماد عمومی، اعتماد نهادی، مشارکت‌های غیر رسمی، خیریه‌ای و مذهبی و همیارانه برای نسل جوان توصیه می‌شود.

رابطه‌ی معکوس بین سطح تحصیلات و آموزش با مشارکت‌های غیر رسمی خیریه‌ای و مذهبی نشانگر آن است که نظام آموزشی نتوانسته است هنجارهای خیرخواهانه و کمک به هم‌نوع را به فراگیران آموزش دهد. مشارکت فعال یکی از اعضای خانواده در فعالیت‌های رسمی چون انجمن‌ها می‌تواند موجب افزایش سرمایه‌ی اجتماعی در جامعه گذرد.

افزایش سرمایه‌ی اجتماعی در جامعه‌ی توسعه‌گرا مستلزم وجود دولت توسعه‌گرا است. دولت توسعه‌گرا در فرآیند توسعه کارکرد نهادهای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی سرمایه‌ساز را مورد بازنگری قرار می‌دهد. نهادهای آموزشی می‌توانند بیشترین سهم را در ایجاد و تقویت سرمایه‌ی اجتماعی داشته باشند. به لحاظ فرهنگی تأکید بر عناصر اتصال‌دهنده‌ی گروه‌ها و شبکه‌های جامعه محوری‌ترین عنصر برای ایجاد حداقل سرمایه‌ی اولیه‌ی اجتماعی لازم در جامعه است. با توجه به ویژگی‌های جامعه‌ی ایران، دستیابی به قله‌ی پیشرفت ایران هنگامی امکان‌پذیر خواهد بود که عناصر هویت بخش آن مشتمل بر دو جریان اسلام و ایران به همراه اقتضائات تمدنی روز، به هم پیوند یابند.

علاوه بر لزوم میزان سرمایه‌ی اجتماعی اولیه، راهبرد حفظ سرمایه‌های اجتماعی موجود و تقویت آن از جمله مواردی است که باید در فرآیند توسعه مورد توجه برنامه‌ریزان قرار گیرد. موضوع مهم آن است که میزان سرمایه‌ی اجتماعی در جامعه تقلیل نیافته و

فرسایش پیدا نکند. چگونگی توسعه و برنامه‌های آن می‌تواند سطح برخورداری از سرمایه‌ی اجتماعی را مشخص کند. تجارب موجود و مطالعه‌ی موردی در یکی از استان‌های کشور نشانگر آن است که رفاه اجتماعی به عنوان یکی از اهداف اصلی توسعه با میزان سرمایه‌ی اجتماعی دارای همبستگی معکوس می‌باشد. (اسماعیلی، ۱۳۸۵)

تحقق اهداف سند چشم‌انداز و جایگاه سرمایه‌ی اجتماعی در آن ما را به این نکته رهنمون می‌نماید که در جریان توسعه باید به سیاست اجتماعی با رویکرد تقویت سرمایه‌ی اجتماعی اهمیت داد و متناسب با آن اولویت‌ها، برنامه‌ها و اقدامات اجرایی را طراحی کرد.

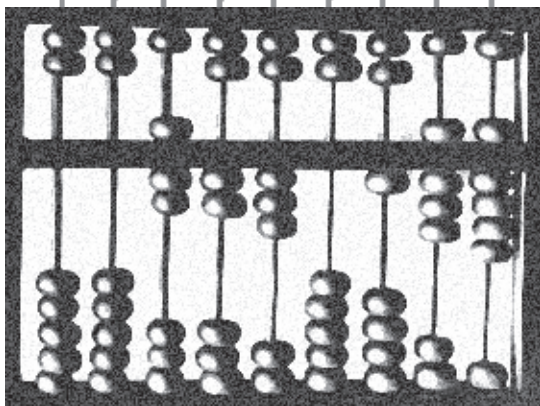
جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

دستیابی به توسعه و پیشرفت مستلزم به کارگیری و بهره‌برداری بهینه از انواع سرمایه می‌باشد. سرمایه‌های طبیعی، مالی و اقتصادی، انسانی و اجتماعی گونه‌های مختلف از سرمایه می‌باشند که منابع انرژی در جامعه است. توسعه نوعی فرآیند مشارکت مردمی عام‌گرا است که در جهت به حداکثر رساندن انرژی به منظور پاسخگویی به نیازهای جسمانی، روانی و اجتماعی مردم با هدف دستیابی به رفاه و عدالت اجتماعی سازماندهی می‌شود. شروط لازم توسعه وجود مازاد انرژی در جامعه، طرح ایده‌ها و شیوه‌های نو توسط مبتکران، وجود اشتیاق جمعی به منظور رفتن به سطح بالاتر و سازماندهی است. علاوه بر آن وجود صلح و ثبات در جامعه، وجود دموکراسی، تعاملات اجتماعی و کاربرد فناوری برای وقوع رخداد توسعه لازم می‌باشند.

رخداد توسعه هنگامی به وقوع می‌پیوندد که ضمیر ناخودآگاه جامعه منجر به بروز ایده‌های جدید و طرح ابتکارات آگاهانه توسط افراد شود. انرژی مازاد انباشت شده در جامعه، توسط ابتکار پیشقراولانی که ایده‌ی جدیدی به کار برده یا مهارت‌های جدیدی کسب کرده و نیز انواع جدیدی از فعالیت‌ها را معرفی کرده‌اند آزاد می‌شود. تقلید از پیشگامان موفق موجب می‌شود که جامعه بر مقاومت نیروهای حافظ وضع پیشین غلبه کرده و برای برقراری رسوم، قوانین و دیگر مکانیسم‌های سازماندهی شده جهت فعالیت‌های جدید آماده شود.

تدوین سند چشم‌انداز توسعه‌ی ایران در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی را باید به مثابه‌ی ایده‌ی جدیدی دانست که توسط نخبگان و مبتکران طراحی شده است. تحقق این ایده‌ها در بستر زمانی تعیین شده مستلزم به کارگیری سرمایه‌ها و ظرفیت‌ها و توانمندی‌های موجود در جامعه می‌باشد. در بین سرمایه‌های موجود، سرمایه‌ی اجتماعی دارای جایگاه خاص می‌باشد. سرمایه‌ی اجتماعی به عنوان عامل وحدت‌بخش اجتماعی، هنجارها، شبکه‌های اجتماعی و اعتماد متقابل می‌باشند که همبازی و هماهنگی افراد برای دستیابی به اهداف و منافع مشترک را تسهیل می‌نماید. سند چشم‌انداز توسعه‌ی ایران در افق ۱۴۰۴ هجری-شمسی هنگامی تحقق می‌یابد که به عنوان یک آرمان اجتماعی برای اعضا و گروه‌ها و اقشار اجتماعی در جامعه درآید. همچنین در سطح کلان به عنوان هدف غایی برای ساختارهای اصلی جامعه چون اقتصاد، فرهنگ، سیاست و اجتماع مطرح شود. بر همین اساس وجود اجماع و وفاق در جامعه (مشمول بر افراد، شبکه‌ها و ساختارها) درباره‌ی سند چشم‌انداز و همکاری و تعامل در سطح سازمان‌ها جهت تحقق اهداف سند چشم‌انداز لازم می‌باشد.

به بیان دیگر، وجود سرمایه‌ی اجتماعی به میزان کافی یکی از الزامات اصلی برنامه‌های توسعه می‌باشد. وجود حداقل سرمایه‌ی اجتماعی و عناصر آن شامل



آگاهی، مشارکت و اعتماد اجتماعی موجب می شود که هزینه های اجتماعی اجرای برنامه های توسعه کاهش یابد. سرمایه ی اجتماعی پدیده ای نیست که در جریان زمان ثابت بماند. بلکه در طول اجرای برنامه های توسعه میزان و چگونگی بروز آن تغییر می یابد. حفظ سرمایه ی اجتماعی موجود در جامعه و جلوگیری از فرسایش آن و تقویت آن به عنوان راهبرد اصلی توسعه ی اجتماعی برای رسیدن به اهداف چشم انداز توسعه ی ایران در ۱۴۰۴ هجری- شمسی مطرح می باشد.

سیاستگذاران، برنامه ریزان و مجریان برنامه های توسعه باید حفظ و تقویت سرمایه ی اجتماعی را در قالب سیاست اجتماعی طراحی و سازماندهی نمایند. سیاست اجتماعی چشم انداز توسعه با رویکرد سرمایه ی اجتماعی می تواند مطابق اصول ذیل بنا شود:

- کاهش فردگرایی افراطی از طریق بازسازی شبکه های پیوند دهنده ی گروه ها و اقشار اجتماعی در فرآیند توسعه.
- تقویت همبستگی اجتماعی از طریق تقویت و تحکیم نظام ارزشی مشترک و احساس هم سرنوشتی مردم.
- تقویت اعتماد و سطوح مختلف آن بالاخص اعتماد به دیگران و اعتماد بین سازمانی.
- تقویت مشارکت اجتماعی و افزایش فعالیت های داوطلبانه.
- افزایش سلامت اجتماعی و کاهش آسیب های اجتماعی.
- کاهش فاصله بین دولت و مردم و حل تضادهای این دو نهاد از طریق گسترش فعالیت سازمان های مردم نهاد.
- تأکید بر نقش دولت های توسعه گرا و مسؤولیت های اجتماعی آنان در فرآیند خصوصی سازی و اتخاذ راهبرد عدالت اجتماعی و رفاه اجتماعی توأم.
- طراحی سیاست ها و برنامه های اجتماعی در فرآیند گذار از اقتصاد دولتی به اقتصاد خصوصی.

منابع و مأخذ

۱. اسماعیلی، رضا (۱۳۸۵)، بررسی شاخص های توسعه ی اجتماعی و سطح بندی آن در شهرستان های استان اصفهان. پایان نامه ی دکتری، دانشکده ی ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان.
۲. بوردیو، پیر (۱۳۸۰)، نظریه ی کنش، دلایل عملی و انتخاب عقلانی، ترجمه مرتضی مردی ها، تهران، انتشارات نقش.
۳. جعفری سهامیه، م.ح (۱۳۸۵)، مقاله ی مهندسی اطلاع رسانی. خلاصه مقالات نخستین همایش ملی مهندسی فرهنگی، شواربعالی انقلاب فرهنگی.
۴. ربیعی، کامران (۱۳۸۳)، سنجش سرمایه ی اجتماعی، مطالعه ی موردی محله ی عرب های ملک شهر اصفهان، گروه علوم اجتماعی دانشگاه اصفهان.
۵. سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور (۱۳۸۲)، سند چشم انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی.
۶. فوکویاما، فرانسیس (۱۳۷۹)، پایان نظم، سرمایه ی اجتماعی و حفظ آن، مترجم غلامعباس توسلی، انتشارات جامعه ایرانیان.
۷. فیروزآبادی، سیداحمد (۱۳۸۴)، بررسی سرمایه ی اجتماعی در ایران و راه های ارتقاء آن، دبیرخانه ی شورای عالی انقلاب فرهنگی.
۸. کلمن، جیمز (۱۳۷۷)، بنیادهای نظریه ی اجتماعی، ترجمه منوچهر صبوری. تهران، نشر نی.

9. Bullen, paul and Jenny onyx (1999), social capital in Family support service neighbourhood and community centers in NSW. An Analysis CAcom, university of Technology: Sydney.

10. Boardieu, p: (1986).The Forms of capital in Richardson, J.(ed) Handbook of theory and research for the sociology of education, New York: Greenwood press.

11. Burt, Ronalds (2001). The network structure of social Capital, Greenwich, ct(2000).

12. otal press.

13. Putnam, R.D(1995) Bowling Alone, America's Declining social capital, Journal of Democracy, vole,16.

14. Woolckock, Michel and depa Narayan (2000), social capital: implications for Development theory and policy, world Bank Research observe, vole 15(2).